



شعر امروز

شعری تقدیم‌به شهیدسردار طهرانی‌مقدم

## شهادت نامهات خاک‌وطن خون تو امضایت



مراسم عصر شعر «رویش» به مناسبت هفته‌بسیج و دهمین سالگرد سردار شهیدحاج‌حسن طهرانی‌مقدم عصر یکشنبه ۳۰آبان با حضور مقامات کشوری و لشکری و جمعی از شاعران در حوزه هنری برگزار شد. به گزارش جام‌چم، سیده‌فاطمه موسوی از شاعران حاضر در این نشست این شعر را به شهیدطهرانی‌مقدم تقدیم کرد:

<span>دلت پرزده به شوق لحظه دیدار مولایت</span>
<span>به سمت کربلاکوچید جانِ فرش پیمایت</span>
<span> </span>
<span>عروجت انفجار عشق در آفاق دنیا بود</span>
<span>که هر جاگل کند آییننه موعودِ فردایت</span>
<span> </span>
<span>چنان پرواز کردی تکه‌تکه پرزنان رفتی</span>
<span>که چشم آسمان خیره بماند در تماشایت</span>
<span> </span>
<span>دلت خط مقدم بود و تهران لاله‌زار تو</span>
<span>گذشت از خاکریز خواب‌های شهر، رؤیایت</span>
<span> </span>
<span>بهار ناگهان! پرپر شدی و پرزنان رفتند</span>
<span>به سمت کهکشان، پروانه‌های آرزوهایت</span>
<span> </span>
<span>شهید پارسا! شمع شپ بی ادعای عشق</span>
<span>غروب کربلا، سجاده سرخ توَلایت</span>
<span> </span>
<span>گل سرخ فداکاری مدال سینه سبزت</span>
<span>شهادت نامهات خاک‌وطن، خون توامضایت</span>
<span> </span>
<span>به علم و صنعت، ایمان تو دیوار دفاعی ساخت</span>
<span>نگاه خیل دشمن در هراس از عزم ولایت</span>
<span> </span>
<span>سحرگل کرد در انگشتِ شمس الولای تو</span>
<span>هزار آییننه شد آیات باران در تجلایت</span>

خبرروز

## اقدام یک کتابفروشی برای آسان کردن کتابخوانی مهمانان خارجی ایران

**گروه فرهنگ‌وهنر:** همان‌طور که می‌دانید این روزها طرح پاییزه ۱۴۰۰ در سراسر کشور برگزار می‌شود و کتاب‌دوستان می‌توانند با تخفیف‌های خوبی کتاب بخرند. برای استفاده از این طرح البته نیاز است که شماره ملی افراد در سامانه وارد شود اما اتباع کشورهای دیگر ازجمله افغانستانی‌های مقیم ایران به دلیل نداشتن شماره ملی از این امکان محرومند. حالا یک کتابفروشی در تهران، برای این مشکل هم چاره‌ای اندیشیده تا مهمانان خارجی مقیم ایران بتوانند با شرایط یکسان با شهروندان ایرانی و همان تخفیف در طرح پاییزه کتاب خریداری کنند.

صفحه اینستاگرامی کتابفروشی کیهان، یکی از کتابفروشی‌های راسته کتاب انقلاب، همزمان با آغاز طرح پاییزه کتاب ۱۴۰۰، در پستی اعلام کرد در این دوره از طرح پاییزه کتاب، دوستان و هموطنان افغانستانی که به دلیل نداشتن کد ملی امکان استفاده از تخفیف کتاب‌های مورد نظر خود را ندارند، می‌توانندکتاب‌های مورد نظر خود را با همان تخفیف از کتابفروشی کیهان تهیه کنند.

علیرضا معینی، مدیر کتابفروشی کیهان به اینها گفته است: از آنجا که استفاده از کد ملی هموطنان هم به‌نوعی استفاده از یارانه ملی بود و شاید اختصاص آن به این شیوه درست نبود، طی مشورت با صاحب ایده در صفحه اینستاگرامی کتابفروشی اعلام کردیم که اتباع افغانستانی حاضر در کشور می‌توانند کتاب‌های مورد نظر خود را با شرایط یکسان با شهروندان ایرانی و همان تخفیف طرح پاییزه کتاب خریداری کنند.

وی افزود: البته اتباع کشورهای دیگر مانند پاکستان، عراق، ترکیه، یمن، سوریه، لبنان، تاجیکستان و ... هم می‌توانند تخفیف را با همان شرایطی که شهروندان ایرانی کتاب می‌خرند، دریافت‌کنند.



## انتشار پیامدهای فرهنگی و اجتماعی مگامال‌ها

کتاب «مگامال‌ها و مجتمع‌های تجاری در تهران» مطالعه‌ای جامعه‌شناختی و حاصل پژوهش عباس کاظمی و مسرت امیرابراهیمی است که توسط انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران منتشر شده است. هدف این کتاب، مطالعه پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ناشی از حضور مال‌ها و مراکزخرید در شهر تهران و همین‌طور، شیوه استفاده مصرف‌کنندگان و شیوه مدیریت آنها در شهر تهران است.



## افشین علا و سرودن منظومه‌ای برای شهید طهرانی‌مقدم

افشین علا از سرودن منظومه‌ای درباره شهید طهرانی‌مقدم خبر داد. او همچنین از حمایت‌نشدن نهادهای فرهنگی از منظومه «سربازنامه» که مجموعه اشعاری از شهید سردار حاج‌قاسم سلیمانی است، گلایه کرد. به گزارش تسنیم وی گفت: باوجود این‌که این اثر در سطحی فاخر تولید شد اما برایم بسیار عجیب بود که به‌جز شخص رهبر معظم انقلاب هیچ‌نهادهی، متولی اشاعه این اثر نشد.

**«برای شما و برادران‌تان که سابقه خوبی در ساخت فیلم کوتاه دارید، ساخت فیلم بلندی در حال و هوای پوست جدای از ریسک پذیری‌اش، انتخاب جاه طلبانه‌ای هم به حساب می‌آید. خودتان هم همین نظر را دارید؟**

من و برادرم، بهرام عاشق تجربه کردن هستیم و دوست داریم چیزی تازه در فیلم‌هایمان داشته باشیم. ما چون دوقلو هستیم، یک‌چور فکر می‌کنیم و حتی یک‌چور عمل می‌کنیم. خیلی شبیه هم فکر می‌کنیم و سلاقی‌مان هم خیلی به هم نزدیک است. مثلاً هر دوی ما فیلم‌هایی که خیلی محتاطانه باشد را دوست نداریم. البته خوشبختانه در فیلم پوست محمدرضا مصباح، تهیه‌کننده هم با ما همراه بود و زمانی که برایش طرح فیلم را تعریف کردیم، خیلی خوشش آمد و پای آن ایستاد تا آن را ساختیم.

**«پوست از محدود فیلم‌های سینمای ایران در ژانر وحشت است که هر چند از عناصرو مفاهیم ترس ایرانی بهره می‌گیرد اما عشق هم در آن جاری است. چه چیزی الهام بخش شما برای خلق این ایده بود؟**

تجربیات شخصی زندگی خودمان، نقاشی‌های محمد سیه‌قلم و همچنین افسانه‌های محلی. از ابتدا قرارمان بر این بود که فیلم‌مان تا حدی به فیلم‌های مستند هم شبیه باشد. به همین دلیل از بازیگران چهره در فیلم استفاده نکردیم. خیلی به فکر قاب بندی‌های شیک و زیبا نبودیم و به نوعی دوست داشتیم در لحن‌مان به زیبایی برسیم. همچنین با به‌کارگیری ادبیات عامیانه و فولکلور می‌خواستیم جزئی از فرهنگ مردم آذربایجان قدیم را به تصویر بکشیم.

**«به استفاده از نابازیگر اشاره کردید، بادم آمد جایی گفته بودید که از استفاده از سوپرستارها در فیلم متنفر هستید!**

دقیقا، هر چند که در بعضی مواقع لازم است اما از این کار متنفرم. کلاً در فیلمسازی هر آنچه

نگاه مخاطب را بیش از اندازه به خود معطوف کند را دوست ندارم. دوست دارم فیلمم را صاف و ساده و بی‌ریا به تصویر بکشم و بازیگران از اسم و رسم‌شان گرفته تا گریم‌هایشان خیلی جلوی دوربین ندرخشند. برای پوست هم از آنجا که می‌خواستیم حالتی مستند هم به خود بگیرد از چند بازیگر از تئاتر تبریز دعوت کردیم و البته چند بازیگر هم با این فیلم برای اولین بار وارد عرصه بازیگری شدند. به همین دلیل مشکلاتی که فیلمسازان اول با بازیگران چهره دارند شامل حال ما نشد. بالانس خوبی هم بین بازیگران و ما شکل گرفت. به نوعی با هم زیست کردیم، تمرین‌های زیادی داشتیم و حتی قبل از ساخت دکورها با بازیگران به دیدن لوکیشن می‌رفتیم. در کل بازیگرها خلایات متفاوتی دارند و با توجه به همین خلایات خاص به خودشان باید از آنها با شیوه‌های مختلف بازی گرفت.

تجربیات من هم در این زمینه بسیار متفاوت است... بازیگرانی بودند که به‌راحتی با هم کنار آمدم و

به نتیجه دلخواه رسیدیم اما کسانی هم بودند که در ابتدا بحث و دلخوری داشتیم اما در نهایت به نتیجه مثبت رسیدیم.

**«شاید به‌دلیل همین رویکرد ساده و بی‌ریاسازی‌تان باشد که قاب‌هایتان را هم خیلی شلوغ نمی‌بندید. به نوعی قاب‌هایتان خلوت هستند و مخاطب را وادار به تمرکز روی چیزی می‌کنید که دوست دارید...»**

اصلاً دوست ندارم تماشاگر را گیج کنم. در کارهایم می‌زانسن را طوری نمی‌چینم که مخاطب متوجه چیزی که من می‌خواهم، نشود. نمی‌دانم شاید به این دلیل باشد که همیشه دوست دارم منظورم را صریح به طرف مقابلم بگویم.

**«کاملاً مشخص است در این فیلم به موافقه «محلی» بودن تأکید داشته‌اید. زبان آذربایجانی در فیلم برای وقایع داستان مسلط است و مختصات اقلیمی آن منطقه هم به کمک‌تان آمده تا وحشتی را به تصویر بکشید که ریشه در باورهای ایرانی دارد. البته به اعتقاد من، ماجرای که روایت کردید چندان وابسته به قومیت نیست، یعنی مشکلی ایجاد نمی‌شد اگر فیلم را در جغرافیای دیگری غیر از آذربایجان به تصویر می‌کشیدید!**

نه، ما از یکی از پیرترین عاشیق‌های آذربایجان به‌نام «عاشیق ولی‌عبدی» دعوت کردیم که در این فیلم نقش راوی را بر عهده بگیرد. اوست که روایت داستان پسری به‌نام آراز را می‌کند که با مادرش زندگی می‌کند. پسر، عاشق دختری به‌نام مارال می‌شود اما مادر آراز دختر را با جادو و دعا طلسم می‌کند و

باقی ماجراها. عاشیق‌ها از بارزترین نمادهای آذربایجان هستند و اگر می‌خواستیم جغرافیای فیلم را به مکان دیگری ببریم باید عاشیق را از فیلم حذف می‌کردیم که نمی‌خواستیم. می‌خواستیم روایتی که در دل فیلم می‌گذاریم، از دل فرم بیرون آمده باشد و صدایی از بیرون نباشد. فرم قصه‌گویی برایمان مهم بود. سنت پرده‌خوانی و عاشیق‌هایی که داستان را روایت می‌کنند در ایران وجود دارند و ما می‌خواستیم به صورتی از آنها استفاده کنیم که از دل قصه جدا نباشند و یکی از شخصیت‌های فیلم باشند. آن چیزی که در نمایش‌های ایرانی هم دیده می‌شود، این است که فردی می‌آید و از نمایش فاصله می‌گیرد و بعد با ورود به نمایش یکی از شخصیت‌ها می‌شود. درواقع همان فاصله‌گذاری در عین این‌که خود فرد جزو شخصیت‌هاست. ما می‌خواستیم در «پوست» این فرم را تجربه کنیم. ضمن این‌که سینما محدود به تهران نیست و در گوشه‌گوشه ایران استعدادهایی وجود دارند که باید به آنها توجه داشت.

**«چرا عنوان «پوست» را برای فیلم‌تان انتخاب کردید؟**

آراز وقتی متوجه می‌شود که نرسیدنش به مارال به واسطه دعایی بوده که مادرش در یک پوست نوشته، تصمیم می‌گیرد این دعا و دیگر طلسم‌های واردشده به زندگی‌اش را نابود کند. درواقع طلسم‌ها روی پوست شیر نوشته شده بود و همچنین در طول فیلم شاهد پوست‌اندازی و تحول خود شخصیت آراز هم هستیم.

**«به نظرتان وارد کردن اسطوره، می‌توانست به فیلم‌تان ضربه بزند؟**

گاهی نمایش اسطوره‌ها به قدری مسخره و بد است که آدم حس بدی به آنها پیدا می‌کند. بعضی اوقات هم نه، فیلم آنچنان اصولی و درست، اسطوره‌ها را در اختیار مخاطب قرار

ترکیب شعرخوانی و موسیقی به آهنگساز فضاهای بیشتری برای نمایش موسیقی داده. یکی دیگر از سکانس‌های به یادماندنی صحنه‌ای است که شخصیت در لباس شیر در برف در حال راه رفتن و گفتن ورد است. دراین صحنه نیز فضای غریب موسیقی توانسته به میزان تاثیرگذاری صحنه‌پردازی کمک کند. موسیقی علاوه بر موسیقی ترکی، در کنار وفور سازهای کوبه‌ای، از موسیقی فیوژن بهره برده و

فولکلور سرزمین‌های دیگر و الکترونیک و تلفیقی. به اینها اضافه‌کنید حجم بالای موسیقی در این فیلم که باند صوتی پوست را بسیار قوی کرده است. اتفاقی که شایسته فیلمی در این ژانر است.

یکی از سکانس‌هایی که در آن از موسیقی مغولی استفاده خوبی شده، جن‌گیری است. او در این سکانس از آواهای جمعی مردانه برای بازنمایی فضا استفاده کرده است. همچنین

## کدام شهرها پایتخت بوده‌اند؟

انتخاب و معرفی پایتخت‌کتاب ایران به این ترتیب است که فراخوانی از سوی شبکه ترویج کتابخوانی ایران منتشر می‌شود، شهرهای داوطلب، طرح‌ها و ایده‌هایشان را برای برگزارکنندگان رویداد انتخاب و معرفی پایتخت‌کتاب ایران ارسال می‌کنند و در پایان سال، پایتخت‌کتاب ایران برای سال پیش رو انتخاب می‌شود که طرح‌ها و برنامه‌ها در شهرانتخاب شده به اجرا درآید.

پایتخت‌های کتاب ایران از سال اول در سال ۹۴ تا سال ۹۹ به این ترتیب بوده‌است:

**اهواز:** به دلیل ارائه برنامه‌های نوآورانه، مشارکت جوانه، مؤثر و منسجم و نیز استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، تشکیل‌های مردمی، صنایع و مراکز ورزشی و فرهنگی به عنوان اولین پایتخت‌کتاب ایران انتخاب شد.

**نیشابور:** دومین پایتخت‌کتاب ایران برای سال ۲۰۱۸ هم نامزد پایتخت جهانی کتاب شده‌است. **بوشهر:** این شهر بندری با ارائه ۳۲ طرح و شعار «راه‌های رسیدن به آزادی گران است؛ کتاب یک استثناست» عنوان سومین پایتخت‌کتاب ایران را به دست آورد و قرار شد حداقل نیمی از این طرح‌ها اجرا شود.

**کاشان:** به دلیل برنامه‌های نوآورانه، مشارکت جوانه و منسجم و استفاده از ظرفیت‌های صنعتی، فرهنگی و هنری در تدوین برنامه‌های پایتخت‌کتاب، به عنوان «پایتخت‌کتاب ایران» دست یافت و لوح افتخار وزرای کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و کمیسیون ملی یونسکو را دریافت کرد.

**یزد:** بر اساس طرح‌های خلاقانه و نوآورانه، انسجام و هم‌افزایی نهادهای دولتی و خصوصی، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، حمایت و مشارکت مالی برندهای تجاری و اقتصادی معتبر با شعار «یزد جهانی، شهر کتاب و دانایی» توانست به عنوان پنجمین پایتخت‌کتاب ایران لوح افتخار را از اسحاق جهانگیری معاون اول وقت رئیس‌جمهور دریافت کرد. شیراز: اولین کلانشهری که این عنوان را از آن خود کرده، بیش از ۳۵ طرح مهم در حوزه کتاب و کتابخوانی ارائه کرده‌بود که تصویب احداث باغ کتاب، راه‌اندازی کتابخانه کودک در مدارس مناطق کم‌برخوردار در قالب طرح شکوفه‌های کتاب از آن جمله بوده‌اند. ‏

یک مسئول را می‌خوانید که درباره انتخاب نیشابور به عنوان پایتخت‌کتاب ایران در سال ۹۵ با جام‌چم حرف زده‌است. عباس کرخی، رئیس اداره ارشاد وقت در نیشابور درباره اتفاقاتی که برای نیشابور بعد از انتخاب شدن به عنوان پایتخت‌کتاب ایران رخ داده، می‌گوید: هر شهری که به‌عنوان پایتخت‌کتاب ایران انتخاب می‌شود، علاوه بر عنوان پایتخت‌کتاب ایران و ارزش معنوی آن، هدایا و جوایز نقدی به دست می‌آورد و میزبان رویدادهای مرتبط باکتاب می‌شود. به عنوان نمونه سالی که نیشابور پایتخت‌کتاب ایران معرفی شد، هجدهمین نمایشگاه ناشران ایران به جای مشهد برای اولین بار در شهری به جز مرکز استان برگزار شد. برای مردم نیشابور این رویداد بسیار باشکوه و خاطره‌انگیز بود. حضور نویسندگان بزرگ و ناشران در این شهر از دیگر رویدادهای به یادماندنی دوره پایتختی کتاب ایران برای نیشابور بود.

کرخی همچنین توضیح می‌دهد لوح پایتختی کتاب به شهر نیشابور ارائه شد و نیز ساخت یک کتابخانه در نیشابور با دو میلیارد بودجه تصویب شد. او درباره ساخته‌شدن این کتابخانه می‌گوید: به نظرم هنوز محقق نشده‌است. تا سال ۹۷ که من رئیس ارشاد نیشابور بودم، این امر محقق نشد. قرار بود بنیادی به نام ملت آن را بسازد که منحل شد و نیز قرار بود دو میلیارد تومان به ساخت

این کتابخانه اختصاص پیدا کند که با وجود مصوب شدن این رقم، دست کم تا زمانی که من در اداره ارشاد نیشابور بودم، تخصیص پیدا نکرده‌است. کرخی در خبرها خوانده که گویا سال گذشته کلنگ کتابخانه به زمین خورده ولی مطمئن نیست حتی ستون‌های کتابخانه سرپا شده باشد.

او تأکید می‌کند: مسلم است که دیگر با دو میلیارد نمی‌توان کتابخانه را به جایی رساند. قرار بود کتابخانه بزرگی باشد و علاوه بر وزارت فرهنگ و ارشاد،

شهرداری نیشابور و نهاد کتابخانه‌های عمومی هم در ساخت آن همراه شدند

اما بعید می‌دانم به جایی رسیده‌باشد.

به گفته رئیس سابق اداره ارشاد نیشابور، سال ۹۴ طرح‌هایی برای

پایتختی کتاب ارائه کردند و در یک رقابت سخت که داووانی از جمله احمد

مسجد جامعی، صالحی امیری و محمد بهشتی طرح‌ها را بررسی می‌کردند،

نیشابور انتخاب شد. کیانی اما معتقد

است: بعد از انتخاب نیشابور به عنوان

پایتخت‌کتاب ایران، هنوز شور و حال

بدرت شده‌است. ‏